خانم حوری جعفری میزوجی، مادر شهید ابوتراب طالبی میزوجی:
«وقتی به دنیا آمد، او را نمی‌خواستم!»

قبل از به دنیا آمدن ابوتراب، من ۳ فرزند به دنیا آوردم که همه‌ی آنها فوت کرده بودند. ابوتراب که به دنیا آمد او را هم نمی‌خواستم و اصلا فکر نمی‌کردم که زنده بماند، لذا تا ۳ روز به او شیر ندادم، روز چهارم درحالی که ابوتراب درآغوشم بود خوابم برد و در عالم خواب دیدم که یک نفر آمده و می‌گوید: این بچه را نمی‌خواهی؟

گفتم: نه.

گفت: اگر این را بردم نگویی چرا بردی و گله و شکایت هم نکنی‌ها!

این را که گفت از خواب بلند شدم، درحالی که مرتب می‌گفتم: می‌خواهم، می‌خواهم! و در همین حال دیدم ابوتراب شدیدا گریه می‌کند، او را بغل گرفته شیر دادم و با خدایم عهد کردم که اگر بزرگ شود و زنده بماند او را در راه امام حسین(ع) بدهم.

ابوتراب بعد از انقلاب از سن ۱۲ سالگی و شروع جنگ بهانه جبهه را گرفت و به دفعات هم در جبهه‌های مختلف حضور یافت و هر وقت هم که می‌خواست اجازه بگیرد، یاد تعهدم می‌افتادم و بالاخره قبول می‌کردم که برود.

آخرین بار بود که بعد از حضورش در عملیات خیبر به مرخصی آمد، گفتم: ابوتراب باز هم می‌خواهی بروی؟

گفت: دیگر نه نمی‌روم، اما ۳ روز از آمدنش نگذشته بود که عملیات دیگری شروع شد و آمد و گفت: مادر من می‌خواهم بروم جبهه.

پدرش مخالفت کرد و گفت: این بار تو نرو بگذار برادرت برود، ولی او قبول نکرد و گفت: این دفعه با هواپیما می‌رویم، خوش می‌گذرد.

خلاصه قبول کردیم و رفتیم سپاه برای بدرقه‌اش، همین که اتوبوس حرکت کرد حال عجیبی پیدا کردم و یکدفعه به دلم افتاد که این بار ابوتراب شهید می‌شود.

وقتی رسیدم خانه، ۲ بار نشستم زمین، پاهایم یخ زده بود، لب هایم کاملا خشک شده بود و اصلا نمی‌توانستم از زمین بلند شوم. پدرش آمد بالای سرم و گفت چه شده؟

گفتم: من دیگر ابوتراب را نمی‌بینم.

گفت: چرا بد می‌گویی؟

گفتم: حالا خواهی دید، من دیگر او را نخواهم دید.

درست ۶ روز بود که ابوتراب رفته بود و عملیات بدر شروع شد، اواخر اسفند ماه بود و شهید زیاد آورده بودند. پسرم گفت: مادر چرا تشییع جنازه شهدا نمی‌روی؟

پاهایم اصلا گیر راه رفتن نداشت، گفتم: پسرم ابوتراب جزو شهداست؟

گفت: نه.

من هم نرفتم و نشستم خانه. ظهر بود که قاصد ابوتراب زنگ زد و من دیگر هیچی نفهمیدم.

*ابوتراب طالبی‌میزوجی، چهارم شهریور ۱۳۴۶ در روستای میزوج از توابع شهر قزوین به دنیا آمد. آهنگر و جوشکار بود. ازسوی بسیج در جبهه حضور یافت. بیست و چهارم اسفند ۱۳۶۳ در جزیره مجنون عراق بر اثر اصابت ترکش به سر، شهید شد.

***حسن شکیب زاده**

حسن رادیو

(طرحی برای یک فیلم بلند براساس خاطرات آزاده سرافراز حسن علی‌یزدانی)

***حسن لطفی**

شب و سکوت بر اردوگاه اسرای ایرانی در موصل سایه انداخته است. حسن و چند اسیر ایرانی داخل آسایشگاه و در تاریکی با احتیاط مشغول گوش کردن به برنامه اخبار رادیو ایران هستند. تمام شدن باطری رادیو به هنگام پخش خبر مهمی، داد آنها را در می‌آورد. پس از این اتفاق حسن قول می‌دهد تا بزودی این مشکل را حل کند. فردا حال جسمی حسن بد می‌شود و دو نفر از رزمندگان، او را که نای حرکت ندارد به بیمارستان می‌برند. وقت معاینه و آمپول زدن پزشک و پرستار به حسن، او حواس آنها را پرت می‌کند و یکی از همراهانش رادیوی برقی روی میز پزشکیار را برمی‌دارد. حسن و دوستانش رادیو را داخل آسایشگاه مخفی می‌کنند. ظهر روز بعد عراقی‌ها که خبر مفقود شدن رادیو را شنیده‌اند حسن و دوستانش را برای بازجویی برده و کل آسایشگاه را برای پیدا کردن رادیو می‌گردند.

بازجویی و جستجو نتیجه‌ای برای عراقی‌ها ندارد و رادیو در دست ایرانی‌ها می‌ماند. ۴ ماه بعد هنگام انتقال اسراء به اردوگاه دیگری حسن و دوستانش رادیو را درون دبه‌ای جازسازی کرده آنرا به محل جدید می‌برند. در محل جدید نیز با همفکری سه رزمنده اصفهانی رادیو داخل دیوار جاسازی می‌شود.

حسن و رزمندگان خبر آزادی خرمشهر را از رادیو می‌شنوند که اعضای صلیب سرخ و چند رزمنده، اسیر به اردوگاه می‌آیند. حسن و دوستانش از پشت پنجره ورود آنها را می‌بینند. یکی از اسرای قزوینی در بین تازه واردین علی اکبر ابوترابی را می‌شناسد. ورود این رزمنده و روحانی صاحب نام و خبر آزادسازی خرمشهر باعث می‌شود تا حسن و سایر دوستانش از رادیو غافل بمانند، و محل نگهداری رادیو توسط خبرچینی لو می‌رود. عراقی‌ها پس از پیدا کردن رادیو به دنبال منشاء وجود رادیو هستند. آنطور که از جهت بررسی‌کنندگان مشخص است آنها به علی اکبر ابوترابی مشکوکند، چرا که زمانیکه او در اردوگاه العماریه زندانی بوده، عراقی‌ها متوجه وجود یک رادیو می‌شوند اما آنرا پیدا نمی‌کنند. برخی از اسرا چون نمی‌خواهند رادیو را از دست بدهند و ازسوی دیگر چون آقای ابوترابی درحال انتقال از اردوگاه است، وجود رادیو را به ترفندی به وی نسبت می‌دهند. عراقی‌ها وقتی اتاق او را جستجو کرده و رادیو را پیدا نمی‌کنند از او امضاء می‌گیرند که چنانچه رادیو در اردوگاه پیدا شود متعلق به اوست. حالا در اردوگاه جدید عراقی‌ها با کشف رادیو در پی ایجاد ارتباط بین این رادیو با حاج آقای ابوترابی می‌شوند. حسن و دوستانش که مطمئن هستند در صورتیکه عراقی‌ها صاحب رادیو را پیدا نکنند از آن برای آزار و حتی شهادت حاج آقای ابوترابی استفاده خواهند کرد، برای رهایی این ماجرا بحث و گفتگو می‌کنند اما به نتیجه‌ای نمی‌رسند. در نهایت وقتی که سخت‌گیری آنها بیشتر شد، و کم کم به قصد تنگ کردن حلقه به آقای ابوترابی رسیده‌اند، حسن خودش را صاحب رادیو می‌داند. یکی از رزمندگان (احمد روزبهانی مسئول اردوگاه) با شنیدن این حرف از دهان حسن جلوی چشم نگهبانان عراقی حسن را زده و از او می‌پرسد رادیو را کجا مخفی کرده؟

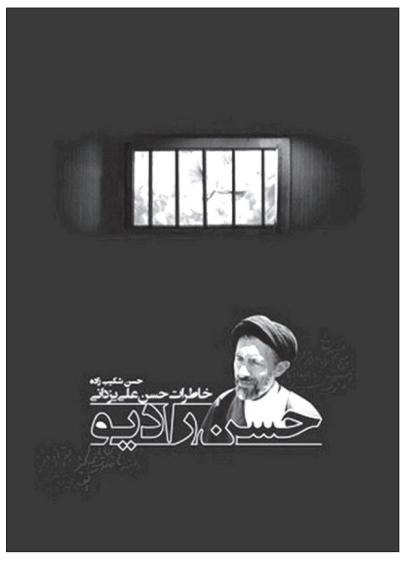

حسن هم می‌گوید داخل سیفون توالت و می‌گوید رادیو را پیدا کرده است. قصد روزبهانی دور کردن خطر از سر سایر اسراء است. نگهبانان عراقی، حسن را می‌برند و طوری او را می‌زنند که دست و پایش می‌شکند. وقتی شکنجه‌های حسن برای گرفتن اعتراف به نتیجه نمی‌رسد سر و کله سروان ماجد که از نیروهای بیرحم بعثی است پیدا می‌شود، او که در اردوگاه قبلی حاج آقای ابوترابی خدمت می‌کرد، قصد دارد تا حسن را به اعتراف به رابطه حاج آقا با رادیو وادار نماید.

وقتی در مرحله اول نتیجه‌ای نمی‌گیرد، نقشه جدیدی می‌کشد. عده‌ای از اسرای ایرانی را وادار می‌کند تا برای شکنجه و کتک زدن حسن بیایند تا بدین وسیله روحیه او را تضعیف کنند. در بین ایرانی‌ها فردی به نام کریم برخلاف دیگرانی که هنگام زدن حسن بی‌تابی می‌کنند، اینطور نیست و حسن را بی‌رحمانه‌تر می‌زند. طوری که عراقی‌ها از این کار او ابراز خوشحالی می‌کنند. وقتی که کار زدن حسن به نتیجه‌ای نمی‌رسد، کریم که مترجم عربی هم هست به ماجد می‌گوید حاضر است حسن را به حرف بیاورد و از آنها می‌خواهد او را با حسن تنها بگذارند. وقتی همه بیرون می‌روند کریم جای زخم‌ها و پای حسن را می‌بوسد و از او می‌خواهد فریاد بزند، بعد پیغام حاج آقا را که دعایی است می‌دهد و از او می‌خواهد مراقب باشد که عراقی‌ها نتوانند او را وادار به اعترافی بکنند که صحت ندارد.

وقتی عراقی‌ها دوباره وارد اتاق شکنجه می‌شوند، کریم درحال فشار دادن گلوی حسن است. نگهبانان او را از حسن دور می‌کنند. کریم می‌گوید احتمالا حسن راست می‌گوید. چون هر چه کرده نتوانسته چیزی جزء حرفهای قبلی از دهان او بشنود. ماجد نقشه جدید می‌کشد. این بار حاج آقای ابوترابی را برای شکنجه حسن می‌آورد. حاج آقا دستش را برای زدن حسن بالا می‌برد اما آرام روی صورتش پایین آورده و او را نوازش می‌کند. ماجد عصبانی به سمت حاج آقای ابوترابی و حسن می‌آید که حاج آقا او را می‌زند و همین امر باعث می‌شود تا عراقی‌ها آنها را به بدترین شکل شکنجه دهند. در حین شکنجه آنها برخی از نگهبانان دلخوری خود را از شدت عمل ماجد نشان می‌دهند و در نبود او به تیمار حاج آقا و حسن می‌پردازند.

البته ماجد هر روز شکنجه‌هاش را بیشتر می‌کند. در لابلای شکنجه‌ها یک بار حاج آقا با حسن هم کلام می‌شود و از خودش و شکنجه‌های قبلی‌اش می‌گوید و از حسن می‌خواهد تا با روش‌هایی خودش را حفظ کند. ازسوی دیگر ماجد برای نتیجه گرفتن، فشار بر اردوگاه و سایر اسرای ایرانی را بیشتر می‌کند. آقای روزبهانی به عنوان مدیر اسرای اردوگاه و چند اسیر ایرانی دیگر برای آنکه فشار از روی بقیه را بردارند. به عراقی‌ها پیشنهاد می‌دهند تا به تلافی بلایی که حسن سر آنها آورده او را به آنها بسپارند. ماجد می‌پذیرد و کمی از فشار اردوگاه را کم می‌کند. کتک زدن حسن توسط روزبهانی و دیگران صحنه دراماتیکی می‌شود که حسن را مهم‌تر می‌کند.

او می‌پذیرد که همرزمانش چاره‌ای ندارند، نگهبانان عراقی که از کتک زدن شدید حسن توسط همرزمانش شوکه شده‌اند با تحریک چند عراقی مهربانتر به رفتار آنها اعتراض می‌کنند، حتی عراقی‌ها وقتی شدت عمل روزبهانی و سه نفر دیگر را می‌بینند آنها را با کتک از حسن جدا می‌کنند. این عمل روزبهانی، ماجد را قانع می‌کند که سایر اسراء چندان دلخوشی از حسن ندارند و همین امر باعث می‌شود کمی از فشار عراقی‌ها بر اسراء کم شود. اما با بد شدن حال حسن و خبردار شدن اسراء همه نگران می‌شوند، حاج آقای ابوترابی دیگران را وادار به صبر می‌کند و برای حسن دعا می‌کنند. اما برای اینکه خبرچین‌ها اصل ماجرا را به عراقی‌ها خبر ندهند حفظ ظاهر می‌کنند و حتی حاضر نمی‌شوند از آشپزخانه به او غذا بدهند.

دعاها اثر می‌کند و حال حسن بهتر می‌شود اما حاج آقا که نگران است تصمیم می‌گیرد وجود رادیو را به گردن بگیرد. خبر از طریق به گوش حسن می‌رسد. او از طریق واسطه تقاضای دیدار حاج آقا را می‌کند و حاج آقا نیز با نیرنگی خودش را به حسن می‌رساند. حسن، حاج آقا را از اعتراف باز می‌دارد و به او خودش را سالم نشان می‌دهد. در حین گفتگوی آندو حسن متوجه کم سو شدن نور چشم‌هاش می‌شود اما برای اینکه حاج آقا بر سر تصمیمش نماند خودش را کاملا سالم نشان می‌دهد.

شب حسن بینایی‌اش کمتر می‌شود. ماجد فشار بر حسن را بیشتر می‌کند، اما حسن هنگام شکنجه صدای دعای اسراء دیگر را می‌شنود. وضعیت حسن و عقب‌نشینی حاج عباس آقا از تصمیمش چند نفر از اسراء را نسبت به حاج آقا بدبین می‌کند. آنها که خودشان را در وضعیت هم رزمشان شریک می‌دانند ابراز ناراحتی می‌کنند. خبرچین‌ها این موضوع را به اطلاع ماجد می‌رسانند. حسن هم از ماجرا خبردار می‌شود و آن هم وقتی که یکی از خبرچین‌ها مشغول صحبت با ماجد است او برای ماجد پیغام می‌دهد که قصد لو دادن مقصر اصلی را دارد، اما شرط می‌کند که این کار را در آسایشگاه بکند و می‌گوید چون قسم خورده نام او را نبرد توی آسایشگاه زیر گوش هر کس که زد او مقصر است. حسن را به آسایشگاه می‌آورند. کم بینی حسن در آسایشگاه به حد اعلاء می‌رسد وقتی به سمت نابینایی می‌رود. حسن یکی یکی افراد آسایشگاه را در بغل می‌گیرد و انگار بخواهد آنها را از روی بویشان تشخیص دهد می‌بوید و می‌بوسد.

به حاج آقای ابوترابی که می‌رسد زیر گوشش حلالیت می‌طلبد، وقتی به خبرچین می‌رسد انگار بخواهد مطمئن شود بیشتر بو می‌کشد و بعد محکم به گوش او می‌زند. ماجد که متوجه نقشه حسن شده او را می‌گیرد و می‌برند. شکنجه‌ها حال حسن را بدتر می‌کند، اما حرفهای زیر گوشی او دوباره باعث وحدت بین اسرا می‌شود. یک شب که حال حسن خیلی بد است، یکی از نگهبانان عراقی برای حسن حلوا می‌آورد. حسن اولش خیال می‌کند قرار است مسمومش کنند. اما بعد که حلوا را می‌خورد می‌فهمد این را یکی از اسراء برایش فرستاده، حلوا که دعای حاج آقا و سایرین را دارد حال حسن را بهتر می‌کند، اما او خودش را همچنان به بیماری می‌زند، شکنجه‌های ماجد پس از پی بردن به بهبودی او بیشتر می‌شود و یکبار او را آنقدر می‌زند که حسن به حال اغما فرو می‌رود و همه فکر می‌کنند مرده است.

خبر به حاج آقا می‌رسد، جنازه حسن را به سردخانه می‌برند، شب هیچکس در آسایشگاه نخوابید، و حاج آقا درحال دعا خواندن است، همه اشک می‌ریزند. صبح عراقی‌ها برای دفن جنازه حسن می‌روند، اما وقتی وارد سردخانه می‌شوند. تعجب می‌کنند. خبر زنده بودن حسن در آسایشگاه ولوله و شادی بودجود می‌آورد، خبر با اعلام خبر پیروزی دیگری از رزمندگان در جبهه‌ها از رادیوی مخفی داخل آسایشگاه یکی می‌شود.

حاج آقای ابوترابی از پشت پنجره، بیرون آوردن حسن توسط عراقی‌ها را نگاه می‌کند و لبخند می‌زند، حسن روی برانکار برای او دست تکان می‌دهد.

***برداشت از کتاب حسن رادیو به قلم حسن شکیب‌زاده**

تازه‌ترین اخبار و تحولات ایران و جهان را
در کانال روزنامه جمهوری اسلامی به آدرس:
https://t.me/JENewspaper
جستجو کنید.

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان

نظر به اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای ۱۴۰۲۶۱۴۰۲۶۰۳۲۶۰۰۴۰۰۲۳۶۷ به تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۹ تصرفات مالکانه آقای قهرمان خزایی فرزند نعمت اله متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۴۰۰۲۶۹ شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۳۰۸۷۳/۹۴ مترمربع قسمتی از ششدانگ پلاک ۲۳ اصلی واقع در بخش ۵ تویسرکان روستای لامیان محرز گردیده است. لذا مفاد رای صادره باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتی که شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند. ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

محمد علی جلیلوند– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۱

برابر رأی ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۲۲۹۰۰۰۳۳۱- ۱۴۰۲/۰۶/۲۲ هیات اول/ دوم قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خوشاب تصرفات مالکانه بلامعارض آقای محمدابراهیم چوپانی فرزند قنبرعلی به شماره شناسنامه ۱۴۷۱ صادره از سبزوار در یک قطعه باغ پسته به مساحت ۲۹۸۴۴/۳۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۱ و ۱۲ اصلی واقع در اراضی باغدشت و احمدآباد بخش ۱۰ ثبت خوشاب خریداری از مالک رسمی آقای قنبرعلی چوپانی فرزند غلامعلی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. (م الف ۴۰۲/۴۵۱) سبزوار

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

علی آب باریکی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده (نوبت دوم)

بدینوسیله از کلیه اعضای شرکت تعاونی کارکنان منابع طبیعی اردبیل دعوت به عمل می آید راس ساعت ۱۱ صبح روز پنجشنبه مورخه۱۴۰۲/۹/۹ در محل سالن آمفی تئاتر اداره کل به آدرس : اردبیل دروازه آستارا جنب صدا وسیمای مرکز اردبیل اداره کل منابع طبیعی وآبخیزداری استان اردبیل جهت اتخاذ تصمیم طبق دستورجلسه ذیل حضور بهم رسانید.

دستور جلسه: ۱- تصمیم گیری در خصوص اصلاح ماده یک اساسنامه و تغییر نام شرکت تعاونی ۲- اصلاح ماده چهار حوزه عملیات تعاونی و ماده شش مدت تعاونی از تاریخ تصویب اساسنامه ۳- تصمیم گیری نهایی در خصوص بند ب ماده ۱۲ اساسنامه (شرایط اختصا صی عضویت در تعاونی) ۴- اصلاح ماده بیست و یک وتعداد اعضای علی البدل از دو نفر به سه نفر ۵- تصمیم گیری در خصوص اصلاح ماده اساسنامه ۳۴ (باتوجه به دامنه فعالیت حقوقی، مالی و امور اراضی و مسکن در شرکت تعاونی جدید تعداد بازرس یا بازرسین از یک به سه نفر) و مدت تصدی ازسه سال به یک سال مالی طبق قانون تعاونی

هیات مدیره شرکت تعاونی تولیدی توزیعی منابع طبیعی اردبیل

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان

نظر به اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای ۱۴۰۲۶۱۴۰۲۶۰۳۲۶۰۰۴۰۰۲۳۵۱ به تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۲ تصرفات مالکانه آقای حسین خدابخشی فرزند رجبعلی متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۴۰۰۳۱۰ شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۱۲/۳۴ مترمربع ششدانگ قسمتی از پلاک ۱۳۰۰ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۲ تویسرکان شهرک نیروی انتظامی محرز گردیده است. لذا مفاد رای صادره باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتی که شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند. ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

محمد علی جلیلوند– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

آگهی دعوت شرکت مهندسین مشاور ره آزما سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۷۸۶ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۹۶۷۴۸ (نوبت اول)

احتراماً بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مهندسین مشاور ره آزما سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۷۸۶ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۹۶۷۴۸ دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در تاریخ ۱۴۰۲/۹/۵ ساعت ۱۰ صبح و مجمع عمومی فوق العاده که در همان تاریخ، ساعت ۱۲ در محل اصلی شرکت تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده: ۱. انتخاب بازرس اصلی و بازرس علی البدل

دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده: ۱ - تصویب افزایش سرمایه ۲ - هر تصمیمی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده باشد.

هیئت مدیره

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه عملیات تحدیدی ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۳۵۶۷۴۱۱/۵۲ متر مربع پلاک ۱۱۶فرعی از۶۰۸- اصلی قطعه ۳بخش ۵ واقع درطاهروئیه سیریک ضلع غربی جاده میناب -جاسک بنام ستاد اجرایی فرمان حضرت امام که منجر به تحدید حدود منفی گردیده لذا طبق تقاضای کتبی مالک در خواست تحدید حدود اختصاصی نموده ؛تحدید حدود اختصاصی به استناد تبصره ۴و۵ماده ۱۴۸اصلاحی قانون ثبت درتاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۲۵ ساعت ۹الی ۱۱ صبح در محل شروع بعمل خواهد آمد اینک به موجب این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت میشودکه در وقت مقرردر محل حضور بهم رسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدید حدود تا ۳۰روز پذیرفه خواهد شد.

م/الف ۲۱۵۹ تاریخ انتشار:۱۴۰۲/۰۸/۲۳

معین متقی
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک میناب

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان

نظر به اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۲۶۰۰۴۰۰۲۳۵۵ به تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۷ تصرفات مالکانه آقای سید محمود ذوالفقاری فرزند سید حسن متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۴۰۰۱۶۸ شش دانگ یک باب مغازه به مساحت ۱۲۲/۵۲ مترمربع قسمتی از ششدانگ پلاک ۳۴۶۵ اصلی واقع در بخش ۱ تویسرکان خریداری مالک رسمی محرز گردیده است. لذا مفاد رای صادره باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتی که شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند. ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

محمد علی جلیلوند– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

آگهی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی تویسرکان

نظر به اینکه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک تویسرکان به موجب رای شماره ۴۰۲۶۰۳۲۶۰۰۴۰۰۲۳۲۶ به تاریخ ۱۴۰۲/۰۷/۱۳ تصرفات مالکانه شرکت برق منطقه ایی باختر متقاضی پرونده کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۲۶۰۰۴۰۰۰۰۴۳ در قسمتی از شش دانگ اعیان و پنج دانگ عرصه به مساحت ۸۳۶۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۱ اصلی واقع در بخش ۳ تویسرکان روستای قلی لاله سفلی خریداری مالک رسمی محرز گردیده است. لذا مفاد رای صادره باستناد ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون مذکور در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در این روزنامه آگهی می گردد در صورتی که شخص یا اشخاص ذینفع به رای صادره اعتراض داشته باشند از تاریخ انتشار این آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت تویسرکان تسلیم و رسید عرض حال جهت ارائه به دادگاه صالحه دریافت نمایند. ضمنا معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، به مرجع قضایی دادخواست تقدیم و رسید آن را به ثبت محل ارائه نمایند در غیر اینصورت متقاضی می تواند گواهی عدم دادخواست را از دادگاه دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید که اداره ثبت نیز بدون توجه به اعتراض عملیات ثبتی را برابر مقررات ادامه خواهد داد ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۲/۰۸/۲۳

محمد علی جلیلوند– مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تویسرکان

اخطار اجرایی

محکوم علیه : مسعود تاجی زادگان به نشانی: مجهول‌المکان

محکوم اله : حسن جعفری به نشانی: فاز ۲ شمشاد ۱۰ پونه ۲

محکوم به

به موجب رای غیابی شماره ۳۴۲ تاریخ ۱۳۹۶/۰۵/۲۹ حوزه ۱۲ شورای حل اختلاف شهرستان کاشان دادگاه عمومی که قطعیت یافته است محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ ۱۶۰.۰۰۰.۰۰۰ریال بابت اصل خواسته چک شماره ی ۹۵۱۸۲۱۴۶۲۱ تاریخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۰ عهده ی بانک ملی و مبلغ ۴۱۵.۵۰۰ تومان بابت هزینه های دادرسی وپرداخت خسارت تاخیر تادیه دین از تاریخ سررسید لغایت اجرای حکم در حق خواهان و اعمال تبصره ۲ ماده‌ی ۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی و هزینه‌ی اجرایی وصول گردد.

دفتر شعبه‌ی ۱۲ مجتمع شماره‌ی ۱
شورای حل اختلاف شهرستان کاشان

«آگهی تحدید حدود اختصاصی»

نظر بر اینکه به استناد آراء صادره هیأت موضوع قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در ثبت گرمی و طبق تبصره ماده ۱۳ آئین‌نامه اجرایی قانون مزبور تحدید از املاک بشرح ذیل تاکنون بعمل نیامده است. لذا تحدید حدود املاک مزبور در روزهای تعیین شده بشرح ذیل بعمل خواهد آمد. بدینوسیله به مالکین و مجاورین اعلام می‌گردد در موعد مقرر در محل حاضر شوند. ضمناً اعتراض بر تحدید حدود و حقوق ارتفاقی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس بمدت ۳۰ روز خواهد بود.

املاک واقع در پلاک ۸۸ اصلی قریه خانعلی‌دره‌سی بخش ۱۵ اردبیل حوزه ثبتی گرمی

۱ - آقای پرویز پورعالی فرزند سیفاله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۲۶۰/۴۴ مترمربع به شماره پلاک ۳۴ فرعی قسمتی از پلاک ۸۸ اصلی (تاریخ تحدید حدود: روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۲/۹/۲۲ رأس ساعت ۹ صبح)

۲ - آقای پرویز پورعالی فرزند سیفاله نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۴۴/۷۸ مترمربع به شماره پلاک ۳۵ فرعی قسمتی از پلاک ۸۸ اصلی (تاریخ تحدید حدود: روز چهارشنبه مورخه ۱۴۰۲/۹/۲۲ رأس ساعت ۱۰ صبح)

تاریخ انتشار: روز سه‌شنبه مورخه ۱۴۰۲/۸/۲۳

م الف ۸۹۱ **سعید نیکخو ــ مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گرمی**

آگهی مناقصه عمومی مرحله پنجم

شهرداری بندرماهشهر به استناد موافقت‌نامه شماره ۲۲۲۲/ش مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ شورای اسلامی شهر، در نظر دارد مدیریت کنترل جمعیت و ساماندهی پناهگاه سگ‌های بلاصاحب شهر بندرماهشهر را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجدالشرایط واگذار نماید.

۱ - اسناد مناقصه در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی Setadiran.ir از مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۲۳ تا مورخ ۱۴۰۲/۰۸/۳۰ ساعت ۱۸:۰۰ ارائه می‌گردد؛ و پاکت‌ها تا مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۱ ساعت ۱۸:۰۰ در سامانه مذکور بارگذاری شود. بازگشایی پاکت‌ها مورخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۲ می‌باشد.

۲ - مبلغ برآورد اولیه جهت یک سال ۸/۸۳۴/۴۳۷/۰۸۰ ریال می‌باشد که پیشنهاددهنده باید ۵٪ قیمت پایه معادل ۴۴۱/۷۲۱/۸۵۴ ریال را بعنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب سیبا شماره ۰۱۰۵۲۹۴۱۶۷۰۰۳ بانک ملی ایران به نام شهرداری بندرماهشهر بصورت نقد یا ضمانتنامه بانکی ضمیمه پیشنهاد خود ارائه نماید.

۳ - شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

۴ - ارائه گواهی تأیید صلاحیت خدماتی و ایمنی از اداره کار و امور اجتماعی الزامی می‌باشد.